

فصلنامه مطالعات سیاسی

سال سیزدهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۰

صفحات: ۱۲۷-۱۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۹/۱۰

مقاله: پژوهشی

کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل، از منظر مقام معظم رهبری

محمد پورقربان*

چکیده

پرداختن به علوم انسانی فارغ از توجه به جوانب اسلامی و غیر مادی آن می‌تواند افکار بشر را وارد گردابی نماید که خلاصی از آن را دشوار نماید. این در حالیست که ممکن است در این مسیر انسان، داشته‌های خود را نیز از دست رفته ببیند. یکی از شاخه‌های پر انحراف و پر مخاطره علوم انسانی، شاخه علوم سیاسی و گرایش‌های آن می‌باشد، که به جهت عدم پرداختن به آن‌ها از منظر دینی، ارزشی و غیر مادی، معمولاً به شکلی بکر و دست نخورده باقی مانده و هر کسی از ظن خود آن را تفسیر و در نهایت به اجراء می‌گذارد. پرداختن به مسائل سیاسی روز، بررسی وضعیت مناطق مختلف جهان، ارتباطات بین‌الملل و سیاست خارجی کشورها از جمله شاخه‌هایی از علوم سیاسی است که ظرفیت حکمی سازی در آن‌ها بسیار وسیع و در عین حال لازم می‌نماید. پرداختن به چگونگی این حکمی‌سازی، با ورود به چهل سال دوم انقلاب، از منظر فقیه حکیم انقلاب، می‌تواند وجهی دوچندان داشته باشد. این پژوهش در پی آن هست که به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تفکر حکمی قابل اعمال در سیاست خارجی از منظر معظم‌له را استخراج نماید. پرداختن به سه اصل مهم عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی و بر اساس موازین اسلامی، می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری سیاست خارجی حکمی را فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: حکمی‌سازی، روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، علوم سیاسی، مقام معظم رهبری.

* استادیار روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسؤول). mhpqr@yahoo.com

مقدمه

با اتمام جنگ سرد و رخت بر بستن نظریه‌های ساختارگرایانه که به تعبیر مورگان و کیت نیلسون به نادیده گرفتن عوامل داخلی در سیاست خارجی منجر شده بود، تحلیل سیاست خارجی بار دیگر مورد توجه جدی قرار گرفت (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳). در اندیشه ساختاری نظام سلطه، این نظام از یکپارچگی کامل برخوردار است. به رغم بعضی رهیافت‌ها که پس از جنگ سرد در حوزه نظام‌های چند قطبی مطرح شده است، اکنون ساختار روابط بین‌الملل، تجلی یک قدرت مرکزی است که روسیه و حتی چین جزئی از آن به شمار می‌روند (نامدار و ضمیریان، ۱۳۹۰). در مجموع سیاست خارجی هر کشوری را باید نتیجه تعامل، مواجهه و ترکیب عوامل گوناگون داخلی و خارجی، نظیر شرایط جغرافیایی و اقلیمی، تجارب تاریخی، ترکیب قومی، ماهیت نظام سیاسی، توانایی‌ها و محدودیت‌های اقتصادی و نظامی و سرانجام، ماهیت نظام سیاسی بین‌المللی و منطقه‌ای دانست (غریبانی زندی، ۱۳۸۷). پرداختن به مفهوم سیاست خارجی اسلامی، در ابتدا نیازمند تعریف مفهوم سیاست خارجی است. سیاست خارجی را می‌توان مجموعه اقداماتی دانست که در برگیرنده تأمین منافع ملی توسط بخش‌های گوناگون دولت یک کشور در پیوند با دولت‌های دیگر در صحنه بین‌المللی است و دربرگیرنده اقدامات برون مرزی تصمیم‌گیران کشور به منظور دستیابی به اهداف درازمدت و کوتاه مدت می‌باشد و یا سیاست خارجی یک استراتژی یا رشته اقدامات برنامه‌ریزی شده است که تصمیم‌گیرندگان یک کشور با هدف نیل به اهداف خاصی که بر حسب منافع ملی تعریف شده‌اند، در مقابل کشورها یا پدیده‌های بین‌المللی دیگر به مرحله اجرا می‌گذارند (جعفرزاده بهابادی و خلیلی، ۱۳۹۳).

از منظر دیگر سیاست خارجی یعنی جهتی که یک دولت در روابط خارجی بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد. با این تفسیر سیاست خارجی در بر دارنده شیوه نگرش دولت نسبت به جامعه بین‌الملل است. برخی نیز سیاست خارجی را مجموعه‌ای از مسائل سیاسی مرتبط به حوزه خارجی می‌دانند که دارای دو بخش متغیر و ثابت است. بخش ثابت، مبتنی بر آموزه‌های نظری، نظام آموزشی و ایدئولوژی حاکم بوده و بیانگر چهارچوب کلی سیاست‌گذاری است. بخش متغیر نیز بیانگر خط مشی‌ها و راهبردهایی است که متناسب با وضعیت و شرایط زمانی و مکانی تنظیم و تدوین می‌گردد (گوهری مقدم و بیگی، ۱۴۰۰). وقوع انقلاب اسلامی ایران سبب ایجاد تغییرات مهمی در عرصه سیاست خارجی گردید. الگوهای

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

رفتاری خاص جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی باعث شد که دامنه مطالعات در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد (رضایی، ۱۳۸۷).

با وقوع انقلاب اسلامی ایران، دو تحول بزرگ و بنیادی در روابط بین‌الملل صورت گرفت؛ یکی قرار گرفتن محوریت دین اسلام و فرهنگ در رویدادهای جهان و دیگری استقرار یک نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌الگوی ولایت فقیه و در نتیجه آغاز یک دوران جدید در سیاست خارجی. با عنایت به این مسأله از زاویه تحلیل سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران یک بازیگر خاص است. خاص بودن آن، ناظر به ماهیت و هویت خاص اسلامی این نوع دولت، نبود تجربه مشابه در میان دولت‌های اسلامی موجود است و می‌توان گفت، اسلامی بودن بیانگر هویت جمهوری اسلامی و تعیین‌کننده منافع و اهداف سیاست خارجی و چگونگی هدایت سیاست خارجی آن است (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳). انقلاب اسلامی ایران با اهداف و آرمان‌های بزرگی به پیروزی رسید و وارد مرحله‌ی نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نوین اسلامی شد. آنچه مسلم است، تحقق این تمدن صرفاً ناظر به مرزهای ایران اسلامی نیست و قلمرو گسترده‌ی جهان اسلام را در برمی‌گیرد و برای همه‌ی مردم جهان پیام آور و نویدبخش است. بر این اساس تحقق این هدف، بخش مهمی از الزامات سیاست خارجی در گام دوم انقلاب است که باید در سیاست‌گذاری و جهت‌دهی به سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد (ستوده، ۱۳۹۸). جمهوری اسلامی برجسته‌ترین منتقد نظام سلطه در پهنه بین‌المللی است، چرا که برای خود نقشی الهام‌بخش و برانگیزاننده در دنیای کنونی قائل است. این امر به ویژه، در ارتباط با دنیای اسلام و کشورهای آزادی‌خواه، موضوعیت می‌یابد. یافتن چنین دیدگاهی بیش از هر عاملی، متأثر از نقش رهبری در این واحد سیاسی است (اسدی، ۱۳۹۳). به عقیده صاحب‌نظران سیاسی ماهیت سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی دگرگون شد و آموزه‌های اسلامی نقش بی‌بدیلی در جهت‌گیریها، سمت‌گیری‌ها و اتخاذ تصمیم‌ها پیدا کرد (جوادی ارجمند و گنج‌خانلو، ۱۳۹۹).

با مروری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به این نکته می‌رسیم که سیاست خارجی ایران در چهل سال اول خود با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه بوده و دستاوردهای زیادی نیز داشته است. آن چه در بیانیه‌ی گام دوم مورد اهمیت است، ترسیم داشته‌ها و موانع راه سیاست خارجی در گام نخست، و تبیین نقشه‌ی راه و افق‌های آینده‌ی

سیاست خارجی با توجه به ارزش ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی است. براین اساس بیانیه‌ی گام دوم ناظر به حرکت، جهت دهی و کنش های سیاست خارجی در آینده‌ی قابل پیش بینی است و معطوف به بایدها و الزامات با توجه به شرایط موجود، اقتضائات محیطی، توان و قدرت کشور و تغییرات آینده است (ستوده، ۱۳۹۸).

در تدوین و راهبری سیاست خارجی ایران نهادها و افراد بسیاری دخیل و محل اثر هستند. بنابر قانون جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری، عالی ترین مقام در تصمیم گیری های کلان حوزه سیاست خارجی است. با توجه به اینکه سیاست گذاری های کشور در حوزه داخلی و خارجی بایستی منطبق با اصول و ارزش های اسلامی باشد، آراء و اندیشه های آیت الله خامنه ای در حوزه سیاست خارجی ترسیم کننده رویکرد دستگاه دیپلماسی خارجی خواهد بود (گوهری مقدم و بیگی، ۱۴۰۰). در جمهوری اسلامی ایران چارچوب سیاست خارجی بر اساس نظرات امامین انقلاب تدوین و اجرایی می گردد. سیاست خارجی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای استمرار سیاست های بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی(ره) است. ایشان در بیان اصول و اهداف سیاست خارجی معتقد به ادامه خط امام و اصل تغییر ناپذیر «نه شرقی، نه غربی» است و بر این نکته تاکید دارند که مهمترین اصل در سیاست خارجی ما، حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزشهاست و سه اصل عزت، حکمت و مصلحت را یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین المللی نظام جمهوری اسلامی می دانند که نباید هیچ گونه خدشه ای به آن وارد شود(حاتمی راد، ۱۳۸۵).

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای بر آن است تا با واکاوی نظرات مقام معظم رهبری، ثمرات پرداختن به اصول حکمی سیاست خارجی از منظر ایشان را بنمایاند، که از این باب دارای اهمیت می باشد. پژوهشگر به دنبال پاسخ به این سوال است که، منظور از سیاست خارجی حکمی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ و الزامات کاربردی شدن این سیاست خارجی چه می باشد؟

۱. اصول سیاست خارجی

اصول سیاست خارجی، آن دسته از قواعد و قوانین بنیادین کلی، ثابت و پایداری است که اهداف و جهت گیری سیاست خارجی را تعیین و تعریف می کند و راهنمای عمل و رفتار کشور در عرصه بین المللی قرار می گیرد. در حقیقت، اصول سیاست خارجی در بر گیرنده باورها و

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

اعتقادات جمهوری اسلامی ایران در مورد واقعیت‌ها، علیت‌ها یا نسبت‌های علی و صحت عمل و رفتار در حوزه تعاملات و نظام بین‌المللی است (طباطبایی و حجازی، ۱۳۹۵). از ورود علم سیاست به ایران بیش از یک صد سال می‌گذرد. در طول این مدت این رشته فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشته و مطالعات زیادی صورت گرفته است (دلآوری، ۱۳۹۰). مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در مناسبت‌های مختلف از جمله در دیدارهای سالانه با مسئولان وزارت امور خارجه و نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سایر کشورها، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تبیین می‌کنند و تحلیل محتوای کمی و کیفی بیانات ایشان نشان می‌دهد که چهار اصل حفظ هویت نظام اسلامی ایران، نفی نظام سلطه، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب، مهمترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری می‌باشند که در میان آن‌ها حفظ هویت نظام اسلامی ایران، حائز اهمیت بالاتری است (طباطبایی و حجازی، ۱۳۹۵). رهبری در جمهوری اسلامی دارای جنبه‌های دینی، قانونی و کارزماتیک است. داشتن چنین جایگاهی، نقش فرادستی و بی‌بدیل به دارنده‌ی این مقام در سودهی به فرایندها و سیاست‌های کشور داده است. رهبری، به عنوان فصل الخطاب، سیاست‌ها را تعیین و ضامن بقای ایدئولوژی و آرمان انقلاب اسلامی است. گفتمان سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، به گونه‌ای عام، و گفتمان سیاست خارجی ایشان به طور خاص، در پیوست با اندیشه امام خمینی (ره) باز خوانی می‌شود. با توجه به جایگاه مهم رهبری در قانون اساسی (حقوقی) و ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی (حقیقی) آیت‌الله خامنه‌ای از نقش اثرگذار و بی‌بدیلی در تعریف اصول و اهداف و تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی کشور، برخوردار است (اسدی، ۱۳۹۳).

ترکیب سه‌گانه‌ی عزت، حکمت و مصلحت برای نخستین بار توسط مقام معظم رهبری به کاربرده شده است. تعابیر بیان شده که همواره توسط مقام معظم رهبری در لزوم کاربست آن در عرصه سیاست خارجی تأکید می‌شود، این ظرفیت را دارد که به چارچوبی کلان و به تبع آن برنامه‌راهبردی روشن بدل شود تا دیپلماسی همواره و در همه دولت‌ها بر محور آن حرکت کند (کبیری، ۱۳۹۹). عزت، حکمت و مصلحت، سه اصل محوری است که رهبر معظم انقلاب آن را به عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند. آنچه مسلم

است کاربرد آن‌ها ناظر بر فهم دقیق هر یک از مفاهیم، نقش آن‌ها در تامین منافع کشور در رابطه با سایر کشورها است. بیان دیدگاه مقام معظم رهبری می‌تواند به کاربرد دقیق آن‌ها در صحنه عملیاتی سیاست خارجی کمک نماید.

یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی، در متون مرتبط با آن، حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی است. در واقع، بحث این است که چگونه می‌توان به تحقق اهداف انقلاب اسلامی کمک نمود و حتی فراتر از آن، آن را به عنوان الگو و نمونه آرمانی، به دیگر نقاط جهان، به ویژه کشورهای مسلمان صادر نمود؟ انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌سازد (غریب‌زاد، ۱۳۸۷).

آنچه بسیار مهم و مورد توجه می‌نماید اینکه جایگاه سیاست خارجی و دستگاه دیپلماسی در نگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای به مثابه در صف مقدم میدان جنگ و در حقیقت نیمی از نظام سیاسی است که رابطه و حدود منافع کشور را در اقطار عالم دنبال می‌کند. ایشان میدان سیاست خارجی را میدان بسیار وسیع و تلاش طلبی می‌نامند که در صف مقدم چالش با مجموعه جهان بیرونی و نظام بین‌المللی است. این وظیفه‌ی بزرگی که بر دوش سربازان خط مقدم جبهه دیپلماسی است، نیازمند تقوا، استحکام، استواری قدم، اعتماد به نفس، اطمینان به راه و داشتن یک دیسپلین قوی، ابتکار عمل، پرکاری، دقت و متعهد بودن به اصول و آرمان‌های نظام می‌باشد (اندیشمند، ۱۳۹۵).

۱-۱. اصل اول: عزت

در فرهنگ لغت معانی متعدد و نزدیک به هم برای واژه عزت بیان شده است از جمله: در لغت نامه دهخدا واژه عزت را در حالت اسم مصدر عربی به عظمت و بزرگواری و ارجمندی و ارج و سرافرازی و کرامت معنا کرده است (لغت نامه دهخدا، ج ۱۰: ۶۸۵۱). همچنین در فرهنگ معین ذیل کلمه عزت در حالت مصدر لازم این معانی ذکر شده است: ارجمند گشتن، گرامی شدن. در حالت اسم مصدر معانی ارجمندی، سرافرازی، عزیزی برای این واژه آورده شده است (فرهنگ معین، ج ۲: ۸۹۲۲).

توجه به عزت در بیان مقام معظم رهبری به کرات مورد اشاره قرار گرفته است و رسیدن به جایگاه رفیع در منطقه و عرصه بین‌الملل را نقطه مطلوب می‌دانند. معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی در هیچ یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

است کسی ضعیف باشد اما دلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. کارآمدان این کارها، می‌توانند خوب بفهمند (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۶۸/۱۱/۹).
الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه (من لا یحضره الفقیه، ج ۴ : ۳۳۴) و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا (سوره نساء، آیه ی ۱۴۱). ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرفهایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. ما برای خودمان عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است - و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها غائلیم. لذا ما هر قدرتی که می‌خواهد ابرقدرتی و تکبر و استکبار و فخر فروشی را در روابط خود با ملت‌های دیگر وارد نکند، رد می‌کنیم.

این مهم در قانون اساسی کشور نیز مورد توجه قرار گرفته است به نحوی که اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی، اصل عدم تعهد را سرلوحه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر می‌شمارد: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است (شمسینی غیاثوند و نصیری، ۱۳۹۳). هر نظام سیاسی، در مرزهای بیرون از جامعه و ملت خود و در رویارویی با حاکمیت‌ها و نظام‌های سیاسی دیگر، نیازمند ارائه خط مشی در تعاملات بین‌المللی برای تنظیم و مدیریت عملکرد خود است. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، در پرتو تشکیل حکومت با محوریت ولایت فقیه (دولت اسلامی)، عرصه‌ای شگرف از مسائل و موضوعات سیاسی در عرصه ارتباطات بین‌المللی، فراوی فقه سیاسی قرار گرفت (درگاهی، ۱۳۹۹).

ایران ابرقدرت، ایرانی است که با تکیه بر ایمان خدا، قله‌های پیشرفت را به سرعت پیموده و به عنوان یک نظام پویا و قدرتمند در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... خود را به جهانیان معرفی کرده باشد. برخی سیاست‌گذاری‌های این حوزه می‌تواند شامل پیشرفت همه‌جانبه در تمام سطوح، یافتن شرکاء و دوستان جدید در نقاط مهم دنیا، به چالش کشیدن نظام امپریالیستی بین‌المللی و شبکه‌سازی گسترده در کشورهای منطقه و نقاط حساس جهان باشد (علویان و موسوی، ۱۳۹۸).

همچنین مقام معظم رهبری دستیابی به علم و دانش را سبب عزت نفس و افزایش عزت عمومی و ملی می‌داند و همواره بر آن تأکید می‌نمایند. آیت الله خامنه‌ای، جدا از سودمندی‌های عینی فعالیت‌های هسته‌ای ایران، بدان سبب به این موضوع اهمیت می‌دهد که به همگان اطمینان دهد که ایران هم از لحاظ علمی و هم فناوری تا اندازه‌ای پیشرفته است که می‌تواند خود کفا شود، و آنچه خود بسنده است که می‌تواند از نظر اقتصادی مستقل شود و این استقلال اقتصادی برای داشتن استقلال سیاسی کافی است. رهبر جمهوری اسلامی سیاست خارجی ایران را بر مبنای مقاومت در برابر امپریالیسم آمریکا از راه خاورمیانه قرار داده است. از دیدگاه ایشان، برنامه هسته‌ای در بر دارنده موضوع مرکزی انقلاب است، یعنی جدال برای استقلال، اعتراض به نابرابری قدرت‌های خارجی، لزوم خودکفایی و اعتبار بالای اسلام برای داشتن دانش در این برداشت، مسأله هسته‌ای توانست به ملت عزت نفس بدهد (اسدی، ۱۳۹۳).

۱-۲. ایستادگی در مقابل اهانت

همانطور که در آموزه‌های دینی بر حفظ عزت و منزلت مسلمین تأکید شده است مقام معظم رهبری هم در طول سال‌ها بر این نکته تأکید داشته‌اند. ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند و اهانت نشود. هیچ‌کس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت پذیر است، برای خودش اهانت پذیر است برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد. ملت ایران، ملتی سرافراز و بزرگ و جاندار است و نشان داده است که قدرت حضور در صحنه‌های دنیا را دارد (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۴/۱۸).

اسلام برای ساخت یک جامعه‌ی سرافراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آن‌ها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از نشانه‌ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت. همچنانی که یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد (بیانات در دیدار با مردم کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲).

عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود - به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور می‌کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهایی

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (سوره ی منافقون، آیه ی ۸). منافقان با خودشان گفتگو می کردند که ما عزیزیم و مسلمانها را - که ذلیلند- از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینجور می گویند، لیکن نمی فهمند و نمی دانند؛ آنکه عزیز است مومنانند؛ عزت از آن خدا است و از آن پیامبر خدا و از آن مومنان بالله. این یک تابلوی درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ عزت ملی (بیانات در دیدار با مردم کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲).

ایشان یافتن عزت را نتیجه پیروزی انقلاب اسلامی و رهبری های معمار کبیر انقلاب اسلامی دانسته اند. یکی از اساسی ترین قلم هایی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار می کند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف می کنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آن ها، قدرت نظامی آن ها و تبلیغات سیاسی آن ها هیچ تاثیری ندارند؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید (بیانات در دیدار با مردم کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲).

۱-۳. اصل دوم: حکمت

حکمت از ریشه حکم بوده که به چند معنا استعمال شده است. اصل معنای حکم منع است، معنی که جهت اصلاح باشد. علمای لغت بر این باورند که حکم در باب افعال به معنای محکم و مستحکم بودن است (لسان العرب، ج ۱۲ : ۱۴۳). از دیدگاه مقام معظم رهبری هم حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به ذهنش آمد بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می گویند حالا که حرف نسنجیده

نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟ گویی هیچ کار سنجیده نمی شود کرد! نه، اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبدا غیر حکیمانه در آید! (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۴/۱۸).

این توجه به برخورد حکیمانه، در دوران ابتدایی انقلاب نیز مورد توجه قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) که عهده دار رهبری و هدایت انقلاب بود، همه تلاش خود را برای نوسازی سیاستگذاری منطبق بر اصول و ارزش های اسلامی به کار می برد و در هر فرصتی بر لازمه انطباق تصمیمات در عرصه سیاست خارجی با موازین و معیارهای شرعی به مسئولان و کارگزاران تأکید می ورزید. بیداری اسلامی، جداسازی اسلام حقیقی از اسلام آمریکایی، همگرایی ملل اسلامی، استقلال سیاسی، و افزایش مبارزات رهایی بخش به خوبی تأثیر انقلاب اسلامی را در مؤلفه های بین المللی و سیاست خارجی نمایان می سازد (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱).

به بیان دیگر کاربرد حکمت به جزیی لاینفک از سیاست جمهوری اسلامی تبدیل شده است. در نظام جمهوری اسلامی، ماهیت قدرت بر اساس عقیده و ریشه در تاریخ انقلاب اسلامی دارد. به نفی سبیل بر اساس عقیده عمل می شود. زیر نفوذ قدرت های بزرگ نرفتن یک اصل است. مقاومت در برابر اسرائیل عقیده است. دفاع از حقوق مسلمانان یک اصل و عقیده است. عموم این گرایش ها در سیاست خارجی ایران مستتر است و از اوایل انقلاب تا کنون تداوم داشته است (سریع القلم، ۱۳۸۸).

مقام معظم رهبری نتیجه به کار بردن حکمت در اقدامات وزارت امور خارجه را بسیار مهم می دانند. وزارت خارجه یک دستگاه انسانی عظیم است. از لحاظ نیروی انسانی، واقعاً دستگاه پر ذخیره ای است. بحمدالله انسان های خوب، انقلابی، مسلمان، اکثراً یا عموماً بچه های انقلاب، جوانان انقلابی مومن، با فکرهای خوب در وزارت خارجه حضور دارند. ما چرا از تلاش و تفکر و سنجش و عقلانیت بچه حزب اللهی های خودمان مایوس باشیم؟ دیدیم که بچه حزب اللهی های خودمان، همین برادران وزارت خارجه همین عناصر مومن و خوب، در یک تجربه ی سیاسی مثل جنگ خلیج فارس - که چیز خیلی عظیمی بود و چقدر افراد اشتباه کردند - یا مثل قضیه ی قطعنامه، چگونه از خودشان عقل و شخصیت و هوشمندی نشان دادند. در

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

ارتباطات فراوانی همین‌طور است (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

همچنین ایشان تبعات اقدامات غیر حکیمانه در دستگاه سیاست خارجی را به مراتب بیش از دیگر دستگاه‌های کشور می‌دانند. کار را سنجیده انجام بدهیم. کارهای نسنجیده انجام نگیرد؛ چون ضرر کار نسنجیده در اینجا، با ضرر کار نسنجیده فرضاً در اداری ی ثبت احوال فلان جا یا وزارت صنایع یا وزارت دیگر فرق می‌کند. ضرر کار نسنجیده در اینجا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقد‌تر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این معنای حکمت است (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

ایشان الزاماً برخورد حکیمانه با دشمن را برخوردی سلبی و قهری نمی‌دانند و به گوشه‌هایی از برخورد حکیمانه پیامبر مکرم اسلام (ص) با کفار اشاره می‌نمایند که انعقاد قرارداد با کفار از این موارد می‌باشد. حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است. خیال نکنید این‌ها از اسلام نیست؛ نخیر، آنجایی که جایش باشد، از اسلام است؛ کما اینکه رسول اکرم (ص) با خیلی‌ها - از جمله با یهود اطراف مدینه - مذاکره کرد. از آن سه طایفه، با یک طایفه جنگید و دو طایفه ی دیگر را نفی بلد کرد: «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»^۱ خود شما مسلمان‌ها هم خیال نمی‌کردید که بنا است این‌ها روزی از اینجا بروند؛ اما رفتند. بنا شد که

۱. سوره ی حشر آیه ی ۲. اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی‌نضیر را که به مکه، قصد قتل پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هایشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

خدای متعال این ها را اخراج کند و دیدید که اخراج کرد(در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در آستانه ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۹).

پیامبر اکرم (ص) در حدیبیه با کفار قریش قرارداد بستند. حتی با بعضی از کفار، قراردادهای بلند مدت داشتند. یعنی هیچ انگیزه دعوایی در کار نبود. این موضوع، در خود قرآن هم مشخص است: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (سوره ممتحنه بخشی از آیه ی ۸) ؛ آن کفاری که با شما مسأله و دعوا و سابقه ی سویی ندارند و به شما ظلم نکردند و اخراجتان نکردند، شما می توانید با آن ها ارتباطات حسنه داشته باشید. بنابراین، وقتی از حکمت صحبت می کنیم، یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی و ملاحظه ی تمام استفاده هایی که این نظام می تواند از ارتباط با آن دولت ها ببرد. باید بر این اساس حرکت کنیم(بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

۴-۱. اصل سوم: مصلحت

مصلحت از ماده صلح گرفته شده و صلاح به معنای ضد فساد است. لذا مصلحت یعنی صلاح که جمع آن مصالح می باشد. اصلاح نیز به معنای راست نمودن و به راه آوردن امر و یا چیزی است، آن هم بعد از آن که از راه به در شده و دچار فساد گردیده است. عده ای هم از واژه مصلحت و تقیه در یک ردیف استفاده می کنند که مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: وقتی از تقیه صحبت می کنیم، ممکن است بگویید تقیه متعلق به آن زمانی بود که دولت مسلطی بر سر کار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی گفتیم؛ نه، همان وقت هم تقیه مسئله ی ترس نبود. «التَّقِيَةُ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ» (الکافی، جلد ۲، ص ۲۲۱)؛ تقیه سپر مومن است. سپر را کجا به کار می بریم؟ سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می گیرد و به هنگام درگیری به کار می آید. پس، تقیه در زمینه درگیری است؛ چون ترس و حرز و سنگر و سپر است.

کاربرد مصلحت در سیاست خارجی دارای گستره ای وسیع و فراگیر است. منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تمامی ویژگی ها و خصوصیات غیر حکومتی جامعه، ملت و کشور ایران را در بر می گیرد. سیاست خارجی ایران، مانند هر پدیده و فرآیند سیاسی دیگر در خلاء شکل نمی گیرد، بلکه معلول بستر، بافت و شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی خاص این کشور می باشد. متغیرهای ملی و اجتماعی تاثیرگذار بر سیاست خارجی

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

جمهوری اسلامی را می‌توان در قالب عوامل و عناصر فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم بندی و بررسی کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸).

سیاست خارجی، استراتژی یا مسیر طراحی شده است که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در برابر دولت‌های دیگر یا موجودیت‌های بین‌المللی دیگر، برای رسیدن به اهداف خاصی که بر حسب منافع ملی تعریف می‌شوند، اخذ می‌شود. دولت‌ها در ارتباط با ساخت اقتصادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و با در نظر گرفتن منافع اقشار و طبقاتی که نمایندگی می‌کنند و نیز با توجه به نوع و ماهیت نظام بین‌الملل برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خویش، از جهت‌گیری‌های مختلفی پیروی می‌کنند (جعفرزاده بهابادی و خلیلی، ۱۳۹۳).

یک پایه‌ی مهم دولتمردی، همیشه فهم سیاست بیرون از مرزها بوده است. دولتمردان بزرگ تاریخ، آنان بوده‌اند که میان واقعیات داخل مرزها و تحولات بیرون تعادل و انطباق ایجاد کرده‌اند. انواعی از حکومت‌ها در طول تاریخ حیات سیاسی - اجتماعی بشر، با جهان بینی‌های متفاوت، اهداف گوناگونی را برای خود تعریف کرده و در پی آن، به دنبال راهبردها و راه‌کارهایی برای عملی کردن آن‌ها بوده‌اند. در حقیقت آنچه که سیاست دولت‌ها را از یکدیگر متفاوت کرده و سیاستی را علوی و دیگری را اموی می‌سازد، همین اهدافی هستند که در متن جهان بینی پذیرفته شده آن حکومت معنا یافته و سمت و سوی فعالیت سیاسی آن را مشخص می‌سازد (شجاعی، ۱۳۸۹).

حتی بر اساس مصلحت تعیین دوست و دشمن نیز مورد تفسیر و تعیین قرار می‌گیرد. گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی از همان ابتدای پیروزی انقلاب، داعیه نفی رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را داشته است. اساساً در نگاه فطری و ایمانی نظام جمهوری اسلامی بزرگترین ستم به جامعه جهانی، سلطه‌قدرتمندان، استیلای نظام سلطه و تقسیم کشورهای جهان به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است. بر این اساس، به نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تمام کشورهایی که می‌خواهند زیر سلطه نباشند و نخواهند سلطه‌گری کنند، با هر نژاد و زبانی دوست ایران محسوب می‌شوند (صحرائی، ۱۳۸۸).

مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود؛ نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟

مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می شود (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸). بر اساس اصول اساسی اسلامی، حفظ یک نظام اسلامی از اوجب واجبات است. این مسأله در کنار ضروریات واقع گرایانه تحمیلی نظام بین الملل بر یک دولت اسلامی، اصل حفظ مصلحت دولت اسلامی را به وجود می آورد. بر مبنای این اصل، مصلحت یک دولت اسلامی اقتضا میکند تا در شرایطی در گذار از چالش آرمانگرایی - واقعگرایی، سیاست خارجی دولت اسلامی بر اساس ضرورت بقای آن دولت، ماهیتی واقعگرایانه پیدا کند و به سازگاری با هنجارها و اصول نظام بین الملل منجر شود. از سوی دیگر، در تفسیر مصلحت دولت اسلامی ممکن است اولویت بر حفظ ارزش ها و قواعد اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان تلقی شود و سیاست های آرمان گرایانه دولت اسلامی برخلاف واقعیات نظام بین الملل پیگیری شود (موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۷).

به نظر می رسد مفهوم مصلحت، چنین ویژگی هایی دارد. مصلحت هر چند به معنای منفعت است، با اصطلاح مصلحت در اندیشه سیاسی غرب و رویکرد واقعگرایی و لیبرالیسم تفاوت دارد. اسلام به مصلحت تنگ نظرانه نمی نگرد و آن را تنها در چهارچوب منافع مادی به اسارت نمی کشد، بلکه مصلحت در اسلام اعم از منافع مادی و معنوی، دینی و دنیایی است؛ برخلاف مصلحت در عرف سیاسی امروز مغرب زمین که تنها بر منافع مادی و دنیایی اطلاق می شود و غلبه لذت ها و سودهای مادی بر دردها و زیان های مادی ملاک درستی و انتخاب هر عمل است در این معنا، مراد مصلحتی است که ملاک تصمیم سازی ها و برنامه ریزی و ترجیح برخی اصول بر برخی دیگر انتخاب روش های اجرایی و تعیین اهداف و ارزش گذاری آن ها و اولویت بندی در سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی است، آنچه در مفهوم مصلحت در باب مباحث تصمیم گیری اهمیت دارد، گستره زمانی و ارزشی مفهوم مصلحت است که هدایت کننده تصمیم گیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. از نظر محتوایی و ارزشی، منفعت ملی محدود به منافع مادی و ارزش های مادی نیست، بلکه منافع و ارزش های معنوی را نیز در بر می گیرد. در مصلحت مطابق با رویکرد اسلامی، منافع معنوی مستقلاً دارای ارزش و اعتبار هستند و حتی ارزش آن ها تا بدانجاست که در بسیاری از موارد بر ملاحظات مادی صرف اولویت می یابند. به لحاظ قلمرو و گستره زمانی نیز مفهوم مصلحت فراتر از منفعت ملی است، زیرا فراتر از حیات دنیوی بوده و جهان آخرت و سعادت

اخروی نیز در تصمیم‌گیری‌ها مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (سلیمانی و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳).

مقام معظم رهبری نقطه آغازین اقدامات مصلحت‌آمیز را در رفتار کارکنان و ماموران وزارت امور خارجه می‌دانند. شما که مامور وزارت خارجه هستید - بخصوص سفرا که در خارج هستند، و در درجه دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند - کار و منش شخصی شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارتخانه‌ی دیگر متفاوت است. شما رسول و پیام آورید. از شما حدس زده می‌شود که در خارج چه خبر است. اگر شما در سفارتخانه، مسلمان زندگی کنید و همسر و فرزندان و کارمندان شما روش مسلمانی داشته باشند، فرق می‌کند با اینکه یک هم سطح و هم‌رتبه‌ی شما در وزارت‌تی دیگر از وزارتخانه‌های ما، منش اسلامی داشته باشد. اینجا اثرش چشمگیرتر است. اگر هم خدای نکرده روش عملی ما اندکی اختلال داشت، ضررش بیشتر است. پس، از اینجا رفتار مصلحت‌آمیز را شروع کنید.

بر اساس نظر ایشان جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی کشور باید به سمت و سویی برود که موجب ایجاد جریان مورد نظر نظام حاکم گردد. در فضای نخبگانی، ایشان را به عنوان فردی که واقعیات فضای سیاسی بین‌الملل را به خوبی درک می‌کنند، می‌شناسند. به طور کلی، آیت‌الله خامنه‌ای، نظام بین‌الملل کنونی را به صورت واقع‌گرایانه‌ای درک میکند؛ «در دنیای قانون جنگل، هر ملتی باید به فکر خودش باشد و خود را تقویت کند» (سیمبر و دیگران، ۱۳۹۵). جمهوری اسلامی می‌تواند همین مجموعه‌های فعلی جهانی را به این سمت و آن سمتی که درست است، هدایت کند. مثلاً حرف کنفرانس غیر متعهدها در دنیا چیست؟ امروز غیر متعهدها چه کسانی هستند؟ این سازمان، امروز به آن معنا و مفهوم سابق موردی ندارد. غیر متعهد در مقابل شرق یا پیمان‌های شرقی، یا غیر متعهد در مقابل غرب و پیمان‌های غربی مورد نظر بوده است؛ اما امروز که به آن معنا شرق و غرب نیست. امروز وابستگی به قطب آمریکایی، به معنای تعهد در اصطلاح غیر متعهدها - یعنی عضویت در مجموعه‌های کاری و سیاسی و اقتصادی و نظامی - نیست. امروز معنای غیر متعهدها چیست؟ هدفش چیست؟ با چه کسی برخورد می‌کند؟ امروز غیر متعهدها می‌خواهند چه کسانی را جمع کنند؟ کدام کشورها می‌توانند عضو غیر متعهدها باشند؟ یک بازنگری جدی در مسأله‌ی غیر متعهدها لازم است. البته معنای این حرف آن نیست که تا شما گفتید؛ فوراً صد کشور می‌گویند چشم و از

شما قبول می‌کنند؛ لیکن برای تلاش و پیشبرد کار و طرح ایده‌های نو و ابتکاری در سازمان ملل، راهی وجود دارد. یا مثلاً چرا این کشورهای سابقاً کمونیستی، جزو سازمان کنفرانس اسلامی نیستند؟ مثلاً چرا آلبانی امروز جزو سازمان کنفرانس اسلامی نیست؟ چرا بعضی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق نمیتوانند جزو سازمان کنفرانس اسلامی باشند؟ این‌ها فکری است که دنبالش را می‌شود گرفت. در مورد آن‌ها می‌شود اهداف جمهوری اسلامی و اهداف انقلابی را پیش برد و دنبال کرد (بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

بعضی از برادران، در جاهایی خیال می‌کنند فقط خودشان هستند و به همین خاطر، مطالب و اهداف و آرزوهایی را به زبان می‌آورند و می‌گویند که دشمن از آن سوء استفاده می‌کند. ما از اینگونه حرف‌ها داشتیم. شما باید مراقب باشید که بهانه به دست دشمن ندهید. الان دنیا، دنیای مهمی است. در این خصوص، وزارت خارجه و کسانی که با سیاست خارجی سرو کار دارند و مجلس و بقیه‌ی اجزای دولت و بعضی از ائمه‌ی جمعه، در درجه‌ی اول اهمیت دارند. پس، مسأله‌ی تقیه بسیار مهم است که باید در کار سیاست خارجی به آن توجه کنیم (بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

در جایی دیگر و خارج از فضای مصلحت و رعایت تقیه، ایشان مقابله با تهدیدها و خروج از انفعال را مهم می‌دانند. اگر ما برای جامعه‌ی انقلابی و اسلامی، به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه‌ی اول جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات، مورد توجه قرار بگیرد. این، خط درست دیپلماسی است. برای خیلی‌ها که بین انقلابیگری و برخورد منطقی منافات می‌بینند، عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که این‌ها می‌تواند با هم جمع شود. انقلابیگری به این نیست که ما آنجایی که نباید پرخاش کنیم، بیخودی پرخاش کنیم؛ انقلابیگری به آن است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودربایستی و مرعوب شدن و خام شدن در مقابل برخی از چهره‌های امید بخش کاذب، حفظ کنیم. وقتی توانستیم خط روشن مواضع انقلابی و اسلامی را دقیقاً حفظ کنیم و مرعوب قدرت‌ها نشویم و با کسی رودربایستی نداشته باشیم و فریب نخوریم، در حقیقت به مشی انقلابی و اسلامی توجه کرده ایم (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۵/۳۱).

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...

ایشان پایبندی به اصول اسلامی را دارای ثمرات و برکاتی می‌دانند که مجموعه جامعه اسلامی و دنیای اسلام از آن نفع خواهند برد. هر چه بر پایبندی به اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پایبندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید. بخصوص سفرای ما در نمایندگی‌های خارجی، بر حفظ صد در صد تقیدات و ظواهر اسلامی نسبت به خود و خانواده‌ها و همکارانشان مراقبت کنند و این مسأله را در گزینش‌ها رعایت نمایند. به هیچ وجه در این مسأله انعطاف و نرمش نشان ندهید که قوام شخصیت شما و شخصیت دیپلماسی ما، به این است. جایی که ما پایبندی و اعتقاد دینی قوی‌ای نشان دهیم، دشمن در ما چیزی از قدرت را احساس خواهد کرد که چون او را درست نمی‌شناسد، ابهت آن در دلش جای خواهد گرفت. چنین اعتقاد و اقتداری ابهت است؛ والا این اقتدارهای معمولی و ظاهری - چون پول و ثروت و علم و تسلیحات و ... - قابل فهم و تشخیص است و خیلی‌ها هم بیشتر از ما از آن برخوردارند. چیزی که در ما استثنایی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پایبندی ما به یک فکر و اعتقاد الهی است که آن را نشان می‌دهیم. در راه آن، هیچ گونه رودربایستی و گذشت و انعطاف و معامله، وجود ندارد. این اعتقاد و پایبندی را هر چه ممکن است حفظ کنید و این کار، با ظواهر و امانت اسلامی و پایبندی‌های شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر. این معنا را خیلی رعایت کنید (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۵/۳۱).

مقام معظم رهبری همچنین پایبندی به اعتقادات را موجب ایجاد امید در سایر ملل می‌دانند. در صورتی این شوق و این امید در ملت‌ها باقی می‌ماند که ما از ایمان بی‌قید و شرط و پایبندی کامل به دین خدا، یک سر سوزن تنزل و تنازل نکنیم. در معامله‌ی با قدرت‌های جهانی، همین طور است. در برخورد با مسائل جهانی، همین طور است. در تنظیم سیاست خارجی، همین طور است. در اداره‌ی داخلی کشور، همین طور است (بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت وزیران در آستانه‌ی هفته دولت ۱۳۶۹/۶/۱).

همچنین موقعیت‌های گذشته را نیز نتیجه پایبندی به اصول انقلاب می‌دانند. اگر کاوش کنیم خواهیم دید که ما در گذشته هر جا که توفیق داشته و موفق شده‌ایم، به خاطر آن بوده است که به اصول انقلاب احترام گذاشته و آن را رعایت کرده‌ایم. هر جا ناکامی داشته‌ایم، به

خاطر آن بوده است که کم و بیش از اصول الهی و اسلامی و انقلابی، انحراف پیدا کرده‌ایم. پیشرفتهای ما، به برکت اصول انقلاب است. البته، دشمنان از خارج و ایادی آن‌ها در داخل، کوشش می‌کنند که عکس این را وانمود کنند. مودیانه و خباثت آلود می‌نویسند و تبلیغ می‌کنند که پایبندی‌های انقلابی، مشکل‌آفرین است! نه؛ این دروغ و افترا است. پایبندی انقلابی برای ملت و دولت، گره‌گشا و راهگشا است، و مشکل را برطرف می‌کند. آنچه که مشکل‌ساز است، انحراف از اصول اسلام و انقلاب؛ چه در عمل ما و چه در فکر ما. گاهی ممکن است فکر هم انقلابی باشد، ولی عمل، انقلابی نباشد. این هم مشکل‌آفرین است (پیام رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲).

ایشان همچنین ثمره استقامت و پایداری در ۴۰ سال اول انقلاب را چشمگیر و قابل توجه می‌دانند به نحوی که تحول در معادله‌ی قدرت منطقه‌ای و حرکت به سمت نام‌نوین منطقه‌ای در غرب آسیا به نفع ملل مسلمان منطقه، از پیامدهای سرنوشت‌ساز روند چهل سال گذشته پس از انقلاب اسلامی است. نشانه‌های این تاثیر در موازنه‌ی قدرت را می‌توان در گسترش قدرت ایران در منطقه به عنوان بازیگر عمده‌ی منطقه‌ای، بیداری اسلامی و شکست الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه‌ی گام دوم، سیاست‌های آمریکا و شکل‌گیری محور مقاومت در منطقه مشاهده نمود (ستوده، ۱۳۹۸).

نتیجه‌گیری

با مراجعه به آراء و نظرات مقام معظم رهبری در خصوص سیاست خارجی حکمی از منظر ایشان، باید به این نکته توجه نمود که عزت، حکمت و مصلحت به عنوان سه پایه سیاست خارجی حکمی مورد نظر و توجه می‌باشد. در عمل به این سه اصل بروز و ظهور و به نوعی تحقق ۴ اصل دیگر مبنایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را شاهد هستیم. که از آن جمله حفظ هویت نظام اسلامی ایران، نفی نظام سلطه، حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران و روابط صلح‌آمیز با دولتهای غیر محارب را می‌توان بر شمرد. قطعاً با ورود به گام دوم انقلاب و گذار از ۴۰ سال ابتدایی آن، ضرورت پرداختن به این اصول و مبانی را دو چندان می‌نماید. نگاه به گذشته و چگونگی طی مسیر تا رسیدن به زمان حاضر و بررسی عملکرد متولیان سیاست خارجی در دوران گذشته و تحلیل و بررسی آن و همچنین پایداری بر اصول و

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...
نگاه به آینده حرکت آفرین بوده و ما را به سمت تعالی هدایت خواهد کرد و موجبات دلگرمی و استقامت دیگر ملل را فراهم می‌آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹)، «مولفه‌های سیاست خارجی در گفتمان اصولگرایی عدالتخواه»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال چهاردهم، زمستان، صص ۳۹-۵۸
- اسدی، ناصر (۱۳۹۳)، «تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت الله خامنه‌ای (گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه)»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی**، سال دوم، بهار و تابستان، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- جعفرزاده بهابادی، حسین و خلیلی، محسن (۱۳۹۳)، «بازتاب سمت‌گیری سیاست خارجی در گفتارها و نوشتارهای آیت الله خامنه‌ای ۱۳۸۸-۱۳۶۸»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و هشتم، خرداد، صص ۴۱-۶۹.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر و چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۹)، «هویت و شاخص‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۰، بهار، صص ۳۹-۵۹.
- جوادی ارجمند، محمد جعفر و گنج‌خانلو، مصدق (۱۳۹۹)، «الگوی روابط عوامل کلیدی تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۵۰، بهار، صص ۲۱-۴۳.
- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از نگاه مقام رهبری»، **مجله حصون**، شماره دهم، زمستان، صص ۱۵۴-۱۸۳.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱)، «آسیب‌شناسی رشته علوم سیاسی در ایران»، **فصلنامه راهبرد فرهنگ**، شماره نوزدهم، پاییز، صص ۵۳-۷۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، **انسان ۲۵۰ ساله**، تهران: موسسه ایمان جهادی
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲)، **طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن**، قم: انتشارات موسسه ایمان جهادی
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، **تحول معرفتی**، قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۷)، «درآمدی بر الگوی حکمی و اجتهادی علوم اجتماعی اسلامی»، **فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی**، شماره ۱۳، زمستان، صص ۷-۳۵.

خواجه سروی، غلامرضا و زارعی محمودآبادی، حسن (۱۳۹۳)، «فرهنگ سیاسی مطلوب در فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر»، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، تابستان، شماره ۹، ریال صص ۶۳-۲۷.

درگاهی، مهدی (۱۳۹۹)، «مبانی فقهی عزت، حکمت و مصلحت در تعاملات بین المللی دولت اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، تهران، شماره دوم، تابستان، صص ۱۲۰-۱۰۱.

دلاوری، رضا (۱۳۹۰)، «فرهنگ نگاری تخصصی علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران؛ آسیب ها و راهکارها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، زمستان، صص ۸۵-۵۵.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۶)، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، پاییز، صص ۲۴۵-۲۲۱.

رستمی پور، سجاد (۱۳۹۷)، اندیشه سیاسی آیت الله سید علی خامنه ای، تهران: موسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

رضایی اندیشمند، ابوالقاسم (۱۳۹۵)، عزت، حکمت، مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم

رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو نظریه های روابط بین الملل»، فصلنامه راهبرد، شماره ۱۷، بهار، صص ۲۸۸-۲۶۰.

ستوده، محمد (۱۳۹۸)، «الزامات سیاست خارجی ایران در بیانیه ی گام دوم»، فصلنامه علوم سیاسی، سال بیست و دوم، پاییز، صص ۲۰۱-۱۷۳.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قابلیت و امکان تغییر»، فصلنامه بین المللی روابط خارجی، شماره اول، ۴۰ - ۲۱

سلیمانی، غلامعلی و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۳)، «ابعاد معنایی و نهادی تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان، صص ۱۰۰-۷۱.

سیاهپوش، امیر (۱۳۹۸)، سیاست خارجی از منظر آیت الله العظمی خامنه ای، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی. سیمبر، رضا و رضاپور، دانیال و دانش، خسرو (۱۳۹۵)، «مخاطبان، اهداف و تقویت دیپلماسی عمومی از منظر

آیت الله خامنه ای»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، سال پنجم، زمستان، صص ۱۹۰-۱۶۷.

شجاعی، هادی (۱۳۸۹)، «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه معرفت، سال نوزدهم، شهریور، صص ۴۰-۲۳.

_____ کاربست‌های سیاست خارجی حکمی در عرصه روابط بین‌الملل...
 شمسنی غیاثوند، حسن و نصیری، رضا (۱۳۹۴)، «رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۵، بهار، صص ۲۲-۳
 صحرائی، علیرضا (۱۳۹۷)، «سازه مفهومی جهاد کبیر در گفتمان سیاست خارجی مقام معظم رهبری»، **فصلنامه حکومت اسلامی**، سال بیست و سوم، تابستان، صص ۸۷-۱۱۴
 طباطبایی، سید محمد و حجازی، امین (۱۳۹۵)، «حفظ هویت اسلامی و امنیت هستی شناختی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر مقام معظم رهبری»، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال دهم، بهار، صص ۹۵-۱۱۶
 علویان، مرتضی و موسوی، سید صالح (۱۳۹۸)، «مولفه های سیاست گذاری نظام اسلامی بر مبنای اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، **فصلنامه معرفت**، سال بیست و هشتم، آبان، صص ۶۴-۵۵
 غرایق زندی، داود (۱۳۸۷)، «اصول و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: جستاری در متون»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال یازدهم، تابستان، صص ۲۷۷-۳۱۲
 کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام خامنه‌ای و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات دفاع مقدس**، شماره ۴، زمستان، صص ۷۵-۵۵
 گوهری مقدم، ابوذر و بیگی، علیرضا (۱۴۰۰)، «تجزیه و تحلیل اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بیانیه گام دوم انقلاب»، **دوفصلنامه دانش سیاسی**، سال هفدهم، بهار و تابستان، صص ۳۲۰-۲۹۱
 موسوی زاده، علیرضا و جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۸۷)، «نقش فرهنگ ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه دانش سیاسی**، سال چهارم، پاییز و زمستان، صص ۱۸۷-۲۵۵
 نامدار، مظفر و ضمیریان، محمد حسین (۱۳۹۰)، «مقام معظم رهبری و نظریه ساختاری روابط بین‌الملل در سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، سال هشتم، بهار، صص ۱۳۰-۱۰۱
 واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، «مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری»، **جستارهای سیاسی معاصر**، سال سوم، بهار و تابستان، صص ۱۶۹-۱۴۱.

ب) منابع انگلیسی

Mohammad Jafar Javadi Arjmand¹, Ali Mohammadi Masiri, Mohammad Bagher Mokarami poor (2020), "Resistance Orientation in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", **Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution**, Volume. 3 , No. 7 , Winter 2021 , PP. 97-122.